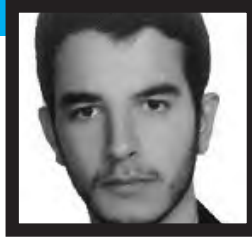


سعید ابوالقاسمی

تمدن سازی نوین اسلامی؛ بایدها و نبایدها





مقدمه

تمدن‌سازی نوین اسلامی از بیانات ارزشمند و افق‌های بلند مقام معظم رهبری (دامت برکاته) است که چندین سال است در بیاناتشان بدان تأکید کرده و مردم و مسئولان را با ارائه راهکار و پیشنهاد به سمت آن سوق می‌دهند. از این رو باید اندیشه‌ها و نقشه راه مشخص باشد تا بتوان در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی گام برداشت. ابتدا باید دانست تمدن اسلام از ابتدا تاکنون چه سیری داشته است و هم‌اکنون در چه وضعیتی است و سپس با توجه به مبانی مستحکم اسلامی، ظرفیت‌ها و موانع، تلاش و کوشش و مدیریت در جهت تمدن‌سازی نوین اسلامی را نظریه‌پردازی کرد. برای وصول به چنین هدفی، لازم است برای چند پرسش اساسی به دنبال پاسخ بود: یک. تمدن نوین اسلامی چیست؟ دو. ظرفیت‌های ما برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی چیست؟ سه. وظایف و مسئولیت‌های ما برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی چیست؟ پیش از پاسخ به این پرسش‌ها، باید چند واژه تعریف گردد تا بتوان مفهوم اصلی را استنباط کرد.

۱) تعریف «تمدن» و «فرهنگ»

تمدن از ریشه «مدن» است و مفهوم شهر در تاریخ است. البته تمدن، شهرنشینی نیست، اما انسان متمدن وارد مرحله شهرنشینی شده است. تمدن مجموعه اندوخته‌ها، ساخته‌های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان است، اما فرهنگ مجموعه باورها و اعتقادات فرد یا گروهی خاص است. به بیان دیگر، فرهنگ عبارت است از: عقاید و باورها، عادت‌ها و ارزش‌ها، آداب و رسوم، نگرش‌ها و رفتار.

به طور کلی تفاوت تمدن و فرهنگ بدین صورت است: فرهنگ، نرم افزاری، معنوی، فردی، قابل انتقال، فرامرزی و ذهنی است، اما تمدن، سخت‌افزاری، مادی، اجتماعی، غیرقابل انتقال، درون مرزی و مکتوب است.

۲) جهان بینی توحیدی یا مادی؟

برای تمدن‌سازی و زندگی نوع جهان‌بینی بسیار مهم است. در این بین دو نوع جهان‌بینی کلان وجود دارد: جهان‌بینی توحیدی و جهان‌بینی مادی. جهان‌بینی توحیدی عبارت است از اعتقاد به اینکه خداوند یکی است و انسان‌ها را مساوی و برابر آفریده است. برای انسان‌ها هدف تعیین کرده و خود حاکم تمام هستی است. بنابراین انسان‌ها در مقام و ارزش‌ها با یکدیگر برابرند و همه باید در یک سطح باشند و هیچ انسانی بر دیگری سیطره نیابد، بلکه همه خواهان جامعه و ارزش‌هایی برابر برای تمامی انسان‌ها باشند. این نوع نگاه به هستی را توحیدی گویند که بسیار ارزشمند، معنوی، الهی و قرآنی است. در این نوع نگاه به هستی، کرامت انسان در مسیر الهی است، و معنویت، اخلاق‌محوری و خداپاوری رایج است.

جهان‌بینی مادی نیز عبارت است از: یک اعتقاد نداشتن به غیب، خداپاوری و اصالت ماده (ماتریالیسم)؛ دو اصالت دنیا و حذف دین از اجتماع و سیاست (سکولاریسم)؛ سه اصالت لذت و آزادی بی‌حد (لیبرالیسم)؛ چهار اصالت انسان و اینکه انسان خدای خود است و پدیده‌ای به نام دین و خدا نباید جلوی آزادی‌های او را بگیرد و انسان محور تمام هستی است (اومانیزم). در این نوع نگاه به هستی هر کسی بر اساس امیال شخصی خود عمل می‌کند و به ترتیب گفته شده:

۱. فقط ماده و چیزی را که لمس کند قبول دارد؛ یعنی خداپاوری؛
۲. دنیاگرایی و اینکه دنیا آخر راه است و آخرتی وجود ندارد و دین باید حذف گردد و هر هدفی که انسان دارد باید از هر راهی به آن برسد؛
۳. باید لذت و آزادی در فرهنگ، اقتصاد و سیاست باشد. در این نوع جهان‌بینی هر فردی هر کاری را که تشخیص بدهد برایش لذت‌آور است، بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران انجام می‌دهد که در نهایت همه اینها اصالت انسان نسبت به اصالت خداوند در جهان هستی است. البته با بررسی بیشتر می‌توان متوجه کرامت پوشالی انسان در این نوع نگاه شد. تمامی این افکار منجر به مدرنیته در غرب شد که به صورتی که در تصویر شماره یک قابل مشاهده است، می‌توان آن را تعریف کرد:

در جهان‌بینی توحیدی که محور خداوند، اخلاق، کرامت انسان و برابری



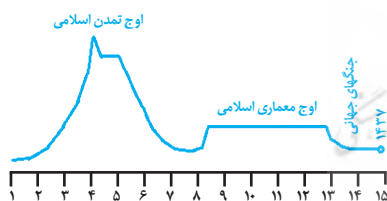
تصویر شماره یک

است، تمدن به گونه‌ای شکل می‌گیرد و در جهان بینی مادی که محور انسان، لذت، آزادی، رعایت نکردن حقوق دیگران و فایده‌گرایی است، نیز تمدن به گونه‌ای دیگر شکل می‌گیرد.

نوع نگاه به هستی در تمدن اسلامی توحیدی است، اما در غرب نوع نگاه به هستی مادی است که یکی از پیامدهای آن وقوع دو جنگ جهانی در قرن ۲۰ است که منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰ میلیون انسان شد.

۳) سیر تمدن اسلامی

تاریخ همیشه برای انسان درس عبرت، آموزش و تجربه است تا بتوان از آن نقاط قوت و ضعف یک ملت یا تاریخ یک امت را استخراج کرد و در زندگی امروز به کار برد. از نظر یکی از متفکران تاریخ از آب به آب نیز شبیه‌تر است؛ یعنی ممکن است اتفاقاتی که در گذشته افتاده بارها بازم اتفاق بیفتد. بنابراین می‌توان با علم و فلسفه تاریخ حتی آینده را نیز تا حدودی تشخیص داد که ممکن است چه اتفاقاتی بیفتد. تاریخ و تمدن اسلام نیز می‌تواند نقطه امیدی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی باشد. اگر نگاهی به تمدن اسلام، دست‌کم در ایران بیندازیم، می‌بینیم که چه پیشرفت‌هایی پس از روی کار آمدن اسلام در ایران اتفاق افتاد؛ از تعداد بسیار بالای دانشمندان، هنرمندان، پزشکان، جغرافی‌دانان، معماران، ستاره‌شناسان و منجمان و فلسفه اسلامی گرفته تا وسایل اختراع شده، کتاب‌های نوشته شده و کتابخانه‌ها، نوع معماری، بیمارستان‌ها، مراکز پزشکی، دستگاه‌های اداری، سبک زندگی، اخلاق محوری، پیشرفت‌های مادی و معنوی و... همه در ایران اتفاق افتاد و اوج پیشرفت آن در قرن چهارم بود. ایران پیش از اسلام هیچ‌گاه با ایران پس از اسلام به لحاظ تمدن قابل قیاس نیست؛ حتی اسلام روی تمدن غرب بسیار تأثیر مثبتی گذاشت. سیر تمدن اسلامی در ۱۴ قرن را میتوان به صورت نمودار تصویر شماره دو مشاهده کرد:



تصویر شماره دو

غرب و شرق نیز به تمدن و قدرت اسلامی اعتراف کرده‌اند. ساموئل هانتینگتون هفت تمدن را بدین‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند: تمدن غربی، تمدن کنفوسیوسی، تمدن ژاپنی، تمدن اسلامی، تمدن هند، تمدن اسلاوی، ارتدوکس، تمدن آمریکای لاتین.^۱ توین‌بی که مورخی جامعه‌شناس است تمدن‌های عالم را تقسیم‌بندی کرده و بیش از سی تمدن در دنیا را مورد شناسایی قرار داده است. وی سپس، بعضی را کنار زده و بعضی را درجه اول در نظر گرفته تا به پنج تمدن رسیده است. باز برخی از آنها را کنار زده و به سه تمدن رسانده است. در میان آن سه تمدن بزرگ جهانی یکی را تمدن اسلامی می‌شناسد. دنیا تمدنی به نام تمدن اسلامی. نه تمدن عربی، نه

تمدن ایرانی، نه تمدن هندی، نه تمدن ترکی - می‌شناسد.^۲
پرسشی که مطرح است این است که وقتی تمدن اسلام بدین‌گونه بوده و اسلام پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته و شرق و غرب نیز به این گفته اعتراف کرده‌اند آیا باز هم نمی‌توان به تمدنی نوین در اسلام دست یافت؟

۳.۱) دلیل پیشرفت تمدن اسلام

از دلایل بسیار مهم پیشرفت تمدن اسلامی، احترام و اصرار به علم‌آموزی در اسلام و نوع جهان‌بینی توحیدی است.

نگاهی به علم‌آموزی در قرآن:

ارزش علم در قرآن به اندازه‌ای والا است که نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام (ص) نازل می‌گردد در مورد قلم است و حتی خداوند به قلم سوگند یاد می‌کند.

در سوره بقره آیه ۱۵۱ آمده است: «همان‌طور که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما می‌خواند و شما را پاک و پیراسته می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و چیزهایی را که از پیش نمی‌دانستید، یادتان می‌دهد».

در سوره زمر آیه ۹ آمده: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَكْفُرُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می‌شوند.) و آیات بسیاری که ارزش علم را مشخص می‌کند.

نگاهی به چند روایت:

در روایات بسیاری نیز به اهمیت علم‌آموزی سفارش شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خیر دنیا و آخرت با دانش است و شردنیا و آخرت با نادانی».^۳ امام رضا (ع) درباره علم‌آموزی فرمودند: «عقل شخص مسلمان تمام نیست، مگر اینکه ده خصلت را دارا باشد و یکی از ده خصلت این است که مؤمن در عمر خود از علم‌طلبی خسته نشود».^۴ امام صادق (ع) در سخنی بسیار ارزشمند می‌فرماید: «لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا؛ دوست ندارم جوانی از شما بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو»؛^۵ یعنی انسان پیوسته باید یا شاگرد و دانشجو باشد و یا دانشمند و معلم؛ حالت سومی وجود ندارد و این از آداب تعلیم و تعلم است که امام صادق (ع) این‌گونه زیبا تعبیر می‌کنند. امام رضا (ع) می‌فرمایند: «تدریس علم، همسان نماز است و مذاکره علمی، معادل روزه‌داری است».^۶



لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ

مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ:

إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا؛ دوست

ندارم جوانی از شما را جز بر

دو گونه ببینم: دانشمند یا

دانشجو

۳.۲ قدرت اسلام در گذشته

اسلام در ۳۰ سال حتی به لحاظ قدرت نظامی نیز پیشرفت می‌کند و دو حکومت بزرگ و قدرتمند ایران و روم که زمین را به دو قطب برای خود تقسیم کرده بودند شکست می‌دهد و اسلام را در غرب و شرق رواج می‌دهد؛ به طوری که از سمت راست تا هند و چین و از سمت چپ تا اسپانیا و آفریقا را دربر می‌گیرد و اسلام را آرام‌آرام رواج می‌دهد. همچنین اسلام تا جنگ جهانی اول بسیار قدرتمند بود و هنوز در آندلس (اسپانیای فعلی) نخلستان‌ها و مساجد اسلامی وجود دارد. اما پس از جنگ جهانی اول اسلام رو به نابودی می‌رود؛ با ظهور اندیشه‌های ضد دینی به کلی تمامی ادیان در حال زوال بودند که وقوع انقلاب اسلامی گامی جدید برای احیای دین به طور گسترده و احیای اسلام به طور ویژه بود. نوع جهان بینی، سبک زندگی و اخلاق محوری... در اسلام، همه روی تمدن و پیشرفت آن تأثیر گذاشت.

□ تمدن نوین اسلامی را

به دو بخش تقسیم

کرده‌اند: بخش ابزاری یا

سخت‌افزاری... بخش

نرم‌افزاری. حقیقی و اساسی

تمدن اسلامی... تحقق

هر دو بخش در تمدن نوین

اسلامی ضروری است

۴. تمدن‌سازی نوین اسلامی چیست؟

پس از این مدت که اسلام ضعیف شد و به کلی در حال از بین رفتن بود و حالا با وقوع انقلاب اسلامی دوباره دین احیا شده، برای تمدن نوین اسلامی چه برنامه‌ای دارد؟ رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی را به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

الف. بخش ابزاری یا سخت‌افزاری که شامل نمودهای پیشرفت می‌شود؛ از قبیل: علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن؛
ب) بخش نرم‌افزاری. حقیقی و اساسی. تمدن اسلامی که شامل حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در تمام مظاهر زندگی و حیات مسلمانان است. تحقق هر دو بخش در تمدن نوین اسلامی ضروری است.^۷

۵. ظرفیت‌های ما برای رسیدن به تمدن‌سازی نوین اسلامی چیست؟

برای اینکه بتوانیم تمدن‌سازی کنیم باید بدانیم چه ظرفیت‌هایی داریم و بر اساس آن تمدن‌سازی و تلاش کنیم. البته پیش از رسیدن به ظرفیت‌ها نگاهی گذرا به سبب‌های مهم عقب‌ماندگی در ایران خالی از فایده نخواهد بود.

۵.۱ علت‌های عقب‌ماندگی تمدن ایران در دو قرن اخیر

۱. کشور ایران در دو سه قرن اخیر از سوی دشمنان بیگانه و از مستبدان دیکتاتورهای داخلی ضربه‌های فراوانی خورده است و این خود سبب عقب ماندن کشور ایران شد. در زمانی که شاهان ایرانی در حال خوشگذرانی و



ترویج سبک زندگی غربی،

مصرف‌گرایی، حذف دین و

خداوند و ترویج لذت‌گرایی

از جمله موانع مهم

تمدن‌سازی نوین اسلامی

به‌شمار می‌رود.

عیش و نوش بودند و حرمسراهایی با تعداد بالای زنان از نژادهای گوناگون داشتند، کشورهای اروپایی در حال تونل زدن زیر دریا بودند. این بی‌خیالی شاهان ایرانی و به‌ویژه قاجار، سبب بسیاری از پس‌رفت‌های ایران شد. ۲. استعمار غرب نیز در کشورهای اسلامی و ایران، خود سبب عقب ماندن در بسیاری از عرصه‌ها شد.

۳. ایران در دو قرن اخیر تجربه‌هایی نیز کسب کرد و بیدار شد. نخستین مورد آن نهضت مشروطیت بود که خوب شروع شد، اما متأسفانه با شکست مواجه شد و ملت بیداری عمومی و ملی کسب کرد. دومین مورد آن نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که آن نیز با کودتای ۲۸ مرداد شکست خورد. اما سومین مورد آن پیروزی انقلاب اسلامی بود که مردم ایران بیدارتر از همیشه به رهبری امام خمینی (ره) انقلاب کردند و پوزه استکبار به خاک مالیده شد و پس از انقلاب نیز دشمن بی‌کار نماند و تحمیل جنگ به مدت ۸ سال، ایران اسلامی را بیش از پیش عقب نگه داشت.

۴. هم‌اکنون نیز دنیای استکبار و غرب در حال تلاش برای از بین بردن هویت اسلامی و ایرانی مردم است و به‌طور ویژه برای ایران و به‌طور گسترده برای تمامی کشورهای اسلامی در حال برنامه‌ریزی، تخریب و از بین بردن تمدن است.

روش‌های دنیای استکبار عبارتند از: اول، تسخیر فضا به‌وسیله ماهواره و پخش کردن بیش از ۴۰۰۰ ساعت برنامه ضد اسلامی و ایرانی در هر ۲۴ ساعت؛ دوم، جنگ‌های نیابتی علیه کشورهای اسلامی و جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی؛ سوم، ساخت گروهک‌های تروریستی به نام القاعده، النصره، داعش و...؛ چهارم، ترویج سبک زندگی غربی، مصرف‌گرایی، حذف دین و خداوند و ترویج لذت‌گرایی. این چهار مورد از جمله موانع مهم تمدن‌سازی نوین اسلامی به‌شمار می‌رود.

۵.۲ ظرفیت‌های ما برای پیشرفت و تمدن‌سازی

بنا به آمارهای موجود به هر لحاظ کشور ایران از خیلی از کشورهای دنیا برتر است و می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را با تلاش و کوشش واقعیت ببخشیم. بنا به آمارها ظرفیت‌های کشور ایران بدین‌گونه است:

۵.۲.۱ نیروی انسانی:

«بیش از ۳۱ درصد جمعیت جوان کشور، ۵۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان، ۱۷۰۰۰ نفر متخصص و فعال در شرکت‌های دانش‌بنیان، بیش از ۶۵۰۰۰ نفر عضو هیئت علمی». (بیانات رهبری، ۹۲/۱۲/۲۰) «بیش از ۴۰۰۰۰۰۰۰ نفر دانشجوی دانشگاه‌ها، بیش از ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ نفر دانش‌آموخته و میلیون‌ها

نفر نیروی مجرب دیگر» (بیانات رهبری، ۹۳/۱/۱).

۵.۲.۲ منابع طبیعی:

«معدن سیمان، طلا، سنگ‌های قیمتی، فلزهای لازم و اساسی، انرژی‌های پاک شامل آب و خورشید و هسته‌ای، سنگ آهن». (بیانات رهبری، ۹۳/۱/۱) «رتبه یک کشور از نظر ذخایر نفتی و گاز» (بیانات رهبری، ۹۲/۱۲/۲۰)

۵.۲.۳ اقتصاد:

«بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی»، (بیانات رهبری، ۹۲/۱۲/۲۰) نزدیک به ۸۰ میلیون نفر بازار مصرف داخلی.

۵.۲.۴ موقعیت جغرافیایی:

۱۵ کشور همسایه در کنار کشور ما؛ جمعیت بیش از ۴۰۰ میلیون نفر همسایگان و ارتباطات با آنها؛ موقعیت چهارراهی کشور؛ آب‌های آزاد در جنوب و آب‌های محدود در شمال کشور؛ زیرساخت‌های کشور؛ تنوع اقلیمی کشور و...

هم‌اکنون کشور ایران رشد علمی خود را نسبت به ۱۲ سال اخیر به ۱۶ برابر رسانده است و این رشد ۱۳ برابر متوسط جهانی است. اگر همین روند ادامه پیدا کند ایران می‌تواند، بنا به پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۱۸ م. به رتبه چهارم در دنیا برسد.^۸ این آمارها و ظرفیت‌ها می‌تواند کمک بسیار بزرگی در بخش سخت‌افزاری تمدن‌سازی نوین اسلامی باشد و ضرورت مدیریت در این موارد است که مشخص می‌شود. در اینجا مدیریت یعنی اینکه با توجه به سابقه اسلامی، ظرفیت‌ها و موانع بهترین تصمیمات و برنامه‌ها برای تمدن‌سازی نوین اسلامی صورت گیرد.

۶. مراحل تمدن‌سازی نوین اسلامی

حال با توجه به ظرفیت‌ها و موانع برای

تمدن‌سازی نوین اسلامی به چه سیستم و برنامه‌ای نیازمندیم؟ مراحل تمدن‌سازی نوین اسلامی بدین‌گونه است: انقلاب اسلامی ← نظام اسلامی ← دولت اسلامی ← جامعه اسلامی ← تمدن اسلامی

۶.۱ وقوع انقلاب اسلامی:

نخستین مرحله برای تمدن‌سازی نوین اسلامی انقلاب اسلامی بود که پشت سر نهادیم. قرن ۱۹ میلادی، قرن مقابله با دین و تحقیر دین بود. در اروپا همه دانشمندان با تکیه بر اومانیسیم و عقل‌گرایی و در نهایت سکولاریسم، سعی در حذف و به مسخره گرفتن دین کردند که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم: مکتب نیپهلیسم (پوچ‌گرایی) نیچه رشد کرد و گفت: خدا مرده است. نمونه دیگری از دانشمندان ماتریالیسم گفتند: اگر خدا را به زیر تیغ جراحی نیاورم پس وجود ندارد. داروینیسم رشد کرد و خلقت الهی انسان را زیر سؤال برد. ژان پل سارتر لائیک با پایه‌ریزی مکتب اگزیستانسیالیسم که بسیار انسان‌گرا بود، گفت: اگر فلج مادرزاد قهرمان مسابقه دو نشود باید خودش را ملامت کند. لنین می‌گفت: دین افیون، مخدر و تریاک توده‌هاست.

هر دانشمند و متفکری با حذف دین شروع به سکولاریزه کردن جامعه کرد و در همان وقت استعمار انگلیس و فرانسه و... کار خود را آغاز کردند. وقتی انگلیس برای استعمار به آسیا آمد شروع به اسلام‌زدایی کرد؛ زیرا می‌دانست اسلام و تفکر اسلامی مانع خواسته‌هایش می‌شود، از این رو هر توانی داشت برای از بین بردن اسلام و مسلمین به کار گرفت. تغییر در نوع فرهنگ، نوع لباس، مدرنیزه کردن و غربی کردن کشورهای اسلامی، استعمار، بی‌بندوباری و عیش و نوش را



از نظر مقام معظم رهبری

نظام اسلامی به معنی

طرح مهندسی و شکل کلی

اسلامی را در جایی پیاده

کردن؛ یعنی هندسه عمومی

جامعه، اسلامی شود.

تا می‌توانست در این کشورها رواج داد. در ایران رضاخان و محمدرضا شاه و در ترکیه آتاتورک را قرار داد و سعی در از بین بردن دین کرد. برخی گروه‌ها و روشنفکران داخلی نیز بدین موضوع دامن زدند و به انگلیس کمک کردند. اسلام آرام آرام کنار رفت و به حالت شخصی درآمد و بعدها به عبادات و در نهایت خرافات رسید. حتی تا جایی پیش رفتند که در دوران محمدرضا پهلوی اگر کسی در دانشگاه‌ها نمازخوان بود مجبور بود مخفیانه بخواند که کسی او را نبیند، زیرا مسخره می‌شد! الیناسیون و هویت‌زدایی از انسان نیز در حال رواج بود و همه چیز حتی انسان در حال تبدیل شدن به ماشین بود. در این حال بود که انقلاب اسلامی با آمدنش، به لطف خداوند، روح تازه‌ای به جامعه دمید و دینی که در حال مردن بود را احیا کرد و نقشه‌های غرب را نقش بر آب کرد. تمامی کسانی که دین را مسخره می‌کردند، دیدند که دین مردم را به حرکت درآورد و معلوم شد دین هنوز هم قوی‌ترین عامل حرکت انسان‌هاست. در این دوره بود که نماز خواندن، اسلام داشتن و مسلمان بودن افتخار شد و تمام دنیای اسلام با این حرکت امیدوار شدند و افتخار کردند. اگر انقلاب اسلامی هیچ کار دیگری در پرورده خود نداشته باشد، جز همین مورد، برای او کافی است!

پیغمبر اسلام نیز زمانی که شروع به کار کرد در عربستان انقلابی به پا کرد تا توانست اسلام را پیاده کند، وگرنه فرد به فرد نمی‌شد کسی را به سمت اسلام آورد.

بنابراین با انقلاب اسلامی نخستین مرحله از زنجیره تمدن‌سازی را گذرانده‌ایم. حال پس از انقلاب نخستین کار ساخت نظامی اسلامی است؛ یعنی باید شکل کلی حکومت، اسلامی باشد.

۶.۲ نظام اسلامی:

نظام اسلامی یعنی نظم و ترتیب موجود در یک بخش اسلامی باشد. از نظر مقام معظم رهبری نظام اسلامی به معنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن؛^۱ یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی شود. نظام اسلامی چند ویژگی دارد که فهرست‌وار بیان می‌شود: ۱. حاکمیت خداوند بر مردم: یعنی حاکم خداوند است و قوانین الهی در جامعه پیاده شود؛ ۲. ابلاغ قوانین خداوند توسط پیامبر و پس از پیامبر توسط امام معصوم و پس از امام معصوم در دوران غیبت، توسط فقیه دین‌شناس و عادل و آگاه به زمانه (ولی فقیه)؛ ۳. جهان‌بینی در نظام اسلامی توحیدی است. در این نوع جهان‌بینی فاصله طبقاتی وجود ندارد؛ ۴. نظارت کامل بر تمامی بخش‌ها که از اسلامیت دور نشود؛ ۵. مردم‌سالاری دینی در نظام.

این پنج مورد از مهم‌ترین ویژگی‌های یک نظام کلی اسلامی است که باید پیاده شود تا اگر کسی خواست از آن سوی دنیا نظری بدهد، بداند نوع نظام فلان کشور اسلامی است. پس از ساخت نظام اسلامی نیاز است که تمامی کارگزاران نظام اسلامی، معیارهای خود را اسلامی کنند که به مجموعه کارگزاران و عوامل اجرایی، دولت می‌گویند.

۶.۳ دولت اسلامی:

دولت در کشور یعنی تمامی کارگزاران شامل: رئیس‌جمهور، معاونان، مشاوران، وزرا، استانداران، فرمانداران، شهرداران و کارمندان و ... و دولت اسلامی یعنی «کارگزاران نظام اسلامی باید جهت‌گیری‌ها و رفتارشان را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به اهداف برسند»^{۱۰}.

مهم‌ترین شاخصه‌های کارگزاران دولت اسلامی را باید از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر بیرون آورد که مهم‌ترین سند حکومتی کارگزاران است. البته این مورد در این مقاله نمی‌گنجد و تنها به بیان شاخصه‌ها و بایدهایی می‌پردازیم که کارگزاران باید به آن عمل کنند؛ شامل: حق‌طلبی، عدالت‌محوری، شجاعت و ابرازانگاری قدرت، سلامت اعتقادی و تقوای سیاسی، سلامت اخلاقی و کرامت انسانی، کار جهادی و مردم‌گرایی، صلح‌مداری و عهدمندی، سلامت اقتصادی و قانون‌گرایی.

نبایدهای مسئولان دولت اسلامی نیز این‌گونه باید باشد: رشوه، فساد اداری و اقتصادی، ویژه‌خواری، کم‌کاری، بی‌اعتنایی به مردم، اشرافی‌گری، از بین بردن بیت‌المال و به‌طور کلی برعکس آنچه در بایدها آمده است.

بنا به نظرات مقام معظم رهبری: «مسئولان و

دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است تطبیق بدهند یا چنان افرادی اگر هستند سرکار بیابند و یا اگر ناقصند خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند»^{۱۱} این‌گونه «اول ما مسئولان اسلامی می‌شویم و وقتی اسلامی شدیم آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور اسلامی خواهد شد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به‌وجود بیاورد»^{۱۲}. پس از طی کردن مرحله دولت اسلامی نوبت به جامعه اسلامی می‌رسد و پس از آن تمدن‌سازی کامل می‌گردد.

۶.۴ جامعه اسلامی: جامعه اسلامی جامعه‌ای است که در آن از رده‌های بالای حکومت تا پایین، خداوند حکومت کند؛ یعنی قوانین خدایی و الهی باشد، تشکیلات و سیستم را دین خداوند به‌وجود آورد، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، حکومت، حقوق، سبک زندگی، روابط اجتماعی و ... را همه دین خداوند مشخص کند. در چنین جامعه‌ای انسان‌سازی صورت می‌گیرد. پیامبر اسلام (ص) وقتی مبعوث شد، فرمود: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ من برای به کمال رساندن اخلاق برانگیخته شده‌ام»^{۱۳} بنابراین پیامبر (ص) آمد برای جامعه‌سازی. نوع تفکر پیامبر (ص) این نبود که هر فردی را به گوشه‌ای ببرد و نصیحت کند و ارشاد کند، بلکه تفکر پیامبر (ص) این بود که جامعه‌ای بسازد و از بالا تا پایین این جامعه قوانین الهی را استوار کند و تمامی افرادی که در این جامعه تنفس می‌کنند را به‌طور کلی (نه فردفرد) با قوانین الهی آشنا کند و این جامعه انسان‌سازی کند و کسانی که در آن زندگی می‌کنند یا انسان می‌شوند یا مجبورند طبق قوانین الهی و انسانی برخورد کنند.

برعکس در جامعه آزاد یا لیبرالی هر کسی هر چیزی تشخیص دهد برایش لذت آور است انجام می دهد و آزادی دارد. در این جامعه نمی توان زندگی سالم داشت؛ زیرا مجبور می شوی گاهی حیا را زیر پا بگذاری، مجبور می شوی گاهی ربا بخوری، گاهی به خاطر فشارها مجبور هستی هر کاری را که اعتقاد به آن نداری را انجام دهی، زیرا قانون اقتضا می کند که سالم زندگی نکنی. اما در جامعه اسلامی مجبور هستی انجام ندهی و این است که انسان سازی می شود. در جامعه اسلامی تمام مبانی دین اسلام پیاده می شود و آرزوهای اسلام که برای بشر داشته تحقق پیدا می کند.

در بخش گذشته وظایف دولت اسلامی در برابر تمدن سازی بیان شد و در این بخش آسیب شناسی و وظایف مردم در سبک زندگی (بخش نرم افزاری تمدن سازی نوین اسلامی) باید تحقق پیدا کند؛ زیرا مردم بخش اعظم جامعه اسلامی هستند. به طور کلی وظایف مردم در ۸ بخش مهم که در روایات نیز بسیار به آنها اشاره شده، سامان می یابد که باید برای تمدن سازی بدان عمل کنند و خود را به این حالت نزدیک کنند؛ زیرا تا به این حالات نزدیک نشوند پیشرفت نمی کنند:

۱. فکر و اندیشه سالم، تفکر و اندیشه در تمامی مراحل؛ جزئیات و کلیات زندگی. نباید ایده های افراد در حد رؤیا بماند.
۲. خانواده سالم، کرامت، عزت و وظایف اجتماعی زن مشخص شود، علت طلاق ها مشخص و سعی در کاهش آن باشد، صلح رحم افزایش پیدا کند، حد صحیح زاد و ولد مشخص شود، حق همسر و فرزندان رعایت شود، تربیت فرزند اسلامی و سالم باشد.
۳. پوشش و آرایش سالم و نوع و طراحی لباس مناسب فرهنگ ایرانی اسلامی باشد و نوع آرایش زنان و مردان مناسب فرهنگ و دین مردم باشد.
۴. الگوی رفتاری و تفریح سالم مشخص و عمل گردد. سعی در آسیب شناسی مواد مخدر و جلوگیری از آن شود. نوع برخورد در جامعه صحیح باشد.
۵. کسب و کار، ساعات کار مفید افزایش پیدا کند. کیفیت کار بیشتر از کمیت آن مد نظر باشد و کمیت کار پس از کیفیت بهتر شود. محکم کاری در کسب و کار باشد، ریشه ربا و واسطه بازی خشکیده شود.
۶. الگوی مصرف، مصرف گرایی و تجمل گرایی کنترل شود. صرفه جویی و نبود اسراف در مصرف. اشرافی گری در جامعه ریشه کن گردد.
۷. زندگی شهری و روابط همسایگی اصلاح شود. فرهنگ آوارتمان نشینی اصلاح شود. نوع معماری ها و شهرسازی ها مناسب و عقلانی باشد.
۸. خلیقات فردی و اجتماعی و فرهنگ کار جمعی قوی شود. فرهنگ رانندگی و نظم در کار رعایت شود. دروغ، غیبت، پرخاشگری و کارگریزی از



به طور کلی وظایف مردم در

۸ بخش سامان می یابد که

باید برای تمدن سازی بدان

عمل کنند و خود را به این

حالت نزدیک کنند؛ زیرا تا به

این حالات نزدیک نشوند

پیشرفت نمی کنند

بین برود و قانون‌گرایی رواج پیدا کند.^{۱۴}

ما به‌طور کلی در این ۸ مورد و زیرمجموعه‌های آن مشکل داریم و آسیب‌پذیر هستیم و باید برای داشتن تمدنی نو این موارد رعایت و در جامعه پیاده شود. این‌گونه می‌توان گفت: هر گاه بخش دوم تمدن نوین اسلامی، یعنی حاکمیت سبک زندگی اسلامی در تمام جامعه، تحقق پیدا کرد به آن کشور اسلامی می‌گوییم. «اگر کشور اسلامی به‌وجود آمد آن وقت برای مسلمانان عالم الگو و اسوه می‌شویم»^{۱۵}، در این صورت است که «تمدن اسلامی به‌وجود خواهد آمد و فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت»^{۱۶}. به‌طور خلاصه با توجه به ظرفیت‌هایی که در بخش (۵.۲) گفته شد می‌توان با تلاش، کوشش، مدیریت و رهبری قسمت اول تمدن‌سازی نوین اسلامی را تحقق بخشید و با اصلاح سبک زندگی اسلامی ایرانی می‌توان قسمت دوم تمدن‌سازی نوین اسلامی را تحقق بخشید. ■

پی‌نوشت‌ها

۱. ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش، ص ۸۴.
۲. مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، ص ۴۴۱ تا ۴۴۱.
۳. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۰۷۱.
۴. تحف العقول، ص ۷۶۴.
۵. امالی طوسی، ص ۳۰۳.
۶. مسند امام رضا(ع)، ج ۱، ص ۷.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۱۹۳۱/۷/۳۲.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۲۹/۵/۵۱.
۹. _____، ۹۷/۹۰/۲۱.
۱۰. _____، ۴۸/۶/۸.
۱۱. _____، ۹۷/۹/۲۱.
۱۲. _____، ۴۸/۶/۸.
۱۳. بحارالانوار، کتاب ایمان و کفر، ابواب مکارم الاخلاق، باب حسن الخلق، ج ۱.
۱۴. بیست‌وهشت مورد آسیب‌شناسی سبک زندگی از منظر رهبر معظم انقلاب در بیانات مختلف.
۱۵. بیانات مقام معظم رهبری، ۰۸/۹/۱۲.
۱۶. _____، ۴۸/۸/۵۲.